**سوگنامه امام علی (ع) در فراق پیامبر اکرم (ص)**

على علیه السلام وارد قبر گردید، و چهره مبارك پیامبر صلى الله علیه و آله و سلم را گشود، قطرات درشت اشك مانع آن مى شد كه دیدگان حضرتش ‍ چهره دوست و حبیب را درست ببیند.

چه لحظه اى دردناك است این لحظه، لحظه اى كه آرزو دارد، جان به همراه آن دردناكش از بدن خارج گردد، شعاع دید على علیه السلام از لابلاى پرده اشك گذر كرده خود را به چهره حبیبش مى رساند، تا آخرین وداع را بنماید، او در این لحظه ناچار است، همه وجود خود را به خاك بسپارد.

چه واجب دردناكى است، كه رگه هاى قلبش را پاره مى كند، او خود را براى هجرانى ابدى كه در دنیا دیگر، ملاقاتى ندارد، آماده مى كند: با نگاهى اشك آلوده و آمیخته با حسرت، كه نمى تواند حتى یك لحظه آن را به دیگر سوئى كشاند، اندوه بزرگ خود را ابراز مى دارد:

بأبى انت و امى یا رسول الله صلى الله علیه و آله و سلم لقد انقطع بموتك ما لم ینقطع بموت غیرك من النبوة والنباء و اخبار السماء

پدر و مادرم فدایت، اى رسول گرامى، با مرگ تو رشته نبوت گسسته گشت، و گزارش دادن از آسمان، و اخبار آن بریده شد، كه با مرگ هیچكس چنین نشود،

 خصصت حتى صرت مسلیا عمن سواك، و عممت حتى صار الناس فیك سواء،

به مصیبت خود یك ویژگى داده اى، و آن این كه مصیبت تو موجب تسلیت است، یعنى آن قدر مصیبت و اندوه فراوان است كه مصایب دیگر را ناچیز مى كند، و به آن عمومیت داده اى یعنى همگان به سوگت نشسته اند،

و لو لا انك امرت بالصبر، و نهیت عن الجزع، لانفدنا علیك ماء الشئون

اگر نه این بود كه به ما دستور داده اى صبر پیشه سازیم، آنقدر بر تو مى گریستیم كه سرچشمه اشكمان خشك گردد، و اندوهمان پیوسته و مدام،

و لكان الداء مما طلا، و الكمد محالفا، و قلا لك، و لكنه مالا یملك رده، و لا یستطاع دفعه، بابى انت و امى، اذكرنا عند ربك، و اجعلنا من بالک

و این درد جانكاه براى همیشه همراه من خواهد بود، و این همه در مصیبت تو اندك است، پدر و مادرم فداى تو باد ما را در سراى دیگر به یاد آور، و در خاطر خود نگه مى دار.

و نیز فرمود:

**نفسى على زفراتها محبوسة**

**یا لیتها خرجت مع الزفرات**

**نفس من در كنار آه اندوه بار خود، به زندان افكنده شده است**

**اى كاش به همراه آه عمیق، نفس من از بدن خارج مى گشت .**

**لا خیر بعدك فى الحیاة و انما**

**اخشى مخافة ان تطول حیاتى**

**پس از تو در زندگى دنیا خیرى نیست**

**و من از آن مى ترسم كه زندگى من طولانى شود.**

**و نیز فرمود:**

 **اءمن بعد تكفین النبى و دفنه**

**باثوابه اسى على هالك ثوى**

**آیا كسى كه پس از تكفین پیامبر صلى الله علیه و آله و سلم و دفن او**

**با لباس هایش غمین است كه در جاى نابود كننده اقامت گزیند؟**

**رزءنا رسول الله فینا فلن نرى**

**بذاك عدیلا ما حیینا من الورى**

**مصیبت ما از دست دادن رسول خداست**

**كه تا زنده ایم همتایى براى او در میان خود نخواهیم یافت .**

**و كان لنا كالحصن من دون اهله**

**لهم معقل حرز حریز من العدى**

**او همانند دژى بود براى خانواده اش**

**پناهگاه محكمى بود كه آنها را از دشمنان مصون مى داشت .**

**فیا خیر من ضم الجوانح و الحشا**

**و یا خیر میت ضمه التراب و الثرى**

**اى بهترین انسانها،**

**و اى بهترین مرده اى كه تاكنون خاك و گل نمناك آن را در برگرفته است .**

**كان امور الناس بعدك ضمنت**

**سفینة موج البحر و البحر قد طمى**

**گویا امور مردم بعد از تو**

**در كشتى كه دچار امواج دریاست قرار گرفته و دریا در حال مد است و كشتى را به حركت درآورده است .**

**و ضاق فضاء الارض عنهم برحبه**

**لفقد رسول الله اذ فیه قد قضى**

**و فضاى وسیع زمین براى آنان تنگ شده است،**

**به خاطر فقدان رسول خدا صلى الله علیه و آله و سلم كه بدرود زندگى گفته است .**

**و نیز فرمود:**

**ما غاض دمعى عند نائبة**

**الا جعلتك للبكاء سببا**

**در هر مصیبتى اشك من سرازیر نگردید،**

**مگر اینكه تو را وسیله گریه خود قرار دهم .**

**و نیز فرمود:**

**الى الله اشكو لا الى الناس اشتكى**

**ارى الارض تبقى و الاخلاء تذهب**

**به خداوند شكایت مى برم، و نه به نزد مردم**

**مى بینم زمین برقرار است و دوستان مى روند.**

گروه دین و اندیشه - شکوری

\* عقد الفرید، ج 3، ص 63، + شرح نهج البلاغه ابن ابى الحدید، ج 2، ص 230 + تاریخ ابن اثیر، ج 2، ص 328و +329 تاریخ طبرى ، ج 2، ص 242 + الامام على ، ج 1، ص 129، عبدالفتاح عبدالمقصود مصرى .

برگرفته از: سیاهترین هفته تاریخ، على محدث (بندرریگی)

<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=115526>